



به نام خالق بی همتا

پسران گلم متن زیر را با دقت بخوانید. ۱۶ کلمه دارای غلط املائی است، آنها را پیدا کنید و صحیح این کلمات را در دفتر دیکته ی خود بنویسید. (بعضی کلمات دو بار اشتباه نوشته شده اند آنها را یکی حساب کنید.)

اولین باری نبود که به گردش المی می رفتم اما این بار در دامنه ی کوه دماوند، احساس دلپذیری داشتم. عذمت و زیبایی کوه مرا مجذوب خودش کرده بود. تبیعت بکر و خیال انگیز اتراف در فصل بهار و سکوتی که فقط با صدای آواز پرندگان شکسته می شد، حس خوبی را در هر کسی ایجاد می کرد.

با دقت به نوک غله خیره شدم. دلم می خواست پرواز کنم. ابرهای متراکم و تیره رنگ نزدیک غله احتمال بارش باران را زیاد می کرد.

صدای فریاد پدری من را از رویاپردازی بیرون آورد. کودکش را از نزدیک شدن به گدال منع می کرد. کودک دوان دوان به آقوش پدرش پناه برد. احساس امنیط در خانواده چیزی بود که هیچ گاه تجربه اش نکرده بودم. ما کودکان پرورشگاهی همیشه آرزوی خانه ای گرم و خانواده ای مهربان را در دل داشتیم. شادی کمی که به خاطر حضور در تبیعت در این فصل زیبا و پرطراوت در من ایجاد شده بود، با فکر کردن به نداشتن خانواده، فراموش شد.

مربیان و معلّمان پرورشگاه با مهبّت زیادی که داشتند تمام تلاششان را می کردند تا جای خالی والدین را برایمان پر کنند، اما وجود پدر و مادری که بدون توقع به فرزندانشان عشق و مهبّت می دهند، همیشه در کنارمان خالی بود.

به کوه استوار دماوند نگاه کردم. او هم تنها بود اما قوی و پرقدرت به نذر می رسید. گویا از هیچ کس و هیچ چیز حراسی نداشت. به خودم قول دادم من هم مانند دماوند با اراده و مهکم باشم. باید برای رسیدن به آرزوهایم تلاش کنم.

اگر چه خانواده ای ندارم اما در آینده پدری مهربان برای فرزندانم خواهم بود.